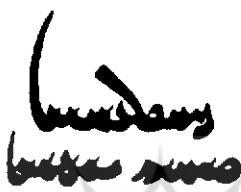


فرهنگِ سغدی

زهرةى زرشناس



نمونه‌ی خطِ سغدی



فرهنگِ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)، بدرالزمانِ قریب، انتشاراتِ فرهنگان، تهران،

۱۳۷۴.

نامِ سرزمینِ سغد را نخست در نوشته‌های کتابِ دینیِ زردشتیان (اوستا)، در سنگ‌نبشته‌های فارسیِ باستان و در نوشته‌های مورّخانِ یونانی می‌بینیم؛ اما، پس از آن گه‌گاه و فقط در زمینه‌ی رویدادهای تاریخی، به هنگامِ فتحِ سغد به دستِ اسکندرِ مقدونی در قرنِ چهارمِ پیش از میلاد و به هنگامِ غلبه‌ی اعراب بر آن در قرنِ هشتمِ میلادی، با این نام روبه‌رو می‌شویم و آنچه در این میان بر سرزمینِ سغد گذشته - و این نیز از قضا دورانِ رونق و شکوه و استقلالِ سیاسیِ آن بوده است - نامعلوم و در پسِ پرده‌ی ابهام است.

سرزمینِ سغد را، از دیدِ منابعِ تاریخی، ناحیه‌ای کم وسعت در کنارِ رودِ زرافشان می‌یابیم؛ اما کشفِ آثار و مدارکِ سغدی در گستره‌ی جغرافیاییِ عظیمی از روسیه تا ترکستانِ چین (ایالتِ سین کیانگِ امروزی) حکایت از آن دارد که سغدیان روزگاری ساکنانِ چنین سرزمینِ پهناوری بوده‌اند، هر چند مطالعاتِ دقیق‌تر نشان می‌دهد که آنان در این سرزمین‌های بیگانه صرفاً مهاجرنشین بوده‌اند.

سمرقند، پایتختِ سرزمینِ سغد، از نظرِ سوقِ الجیشی نقشِ بسیار مهمی در جاده‌ی ابریشم، شاه‌راهِ تجاریِ میانِ چین و دنیای غرب، داشته است. بازرگانانِ سغدی مهاجر-نشین‌های متعدّدی در طولِ این جاده احداث کرده بودند و این مطلب را منابعِ عربی و

نوشته‌های مورخانِ اسلامی، که از مهاجرتِ سغدی‌ان پیش از حمله‌ی اعراب و نیز از فعالیت‌های تجاریِ آنان سخن می‌گویند، تأیید می‌کند. نتیجه‌ی بارزِ این امر اهمیت یافتن نقشِ زبانِ سغدی، به صورتِ زبانِ میانگان (lingua franca)، در طولِ جاده‌ی ابریشم بوده است. از این دیدگاه، نقشِ سغدی‌ان را در آسیای مرکزی می‌توان با از آن یونانیان در دنیای باستان، البته در مقیاسی محدودتر، قابلِ قیاس دانست. در پرتوِ همین نقشِ زبانِ سغدی است که بیشترِ دست‌نویس‌های آن در این ناحیه به خصوص در تون هوانگ (Tunhuang) و نواحی اطرافِ ترفان به دست آمده است.

زبانِ سغدی پیش از کشفِ گنجینه‌ی ترفان در ترکستانِ چین در اوایلِ قرنِ حاضر، شاملِ دست‌نوشته‌هایی به زبان‌های گوناگونِ ایرانیِ میانه، زبانی تقریباً ناشناخته بوده است. آندرئاس (F. C. Andreus, 1846-1930) در میانِ دست‌نوشته‌های گنجینه‌ی ترفان به وجود زبانِ ناشناخته‌ای پی‌برد و آن را سغدی دانست و مولر (F. W. K. Müller)، با نشرِ شماری از دست‌نوشته‌های یادشده، صحّتِ نظرِ آندرئاس را به اثبات رساند. طیِ نودسال پس از آن، با کوششِ هیئت‌های اکتشافیِ متعدّد، آثارِ مکتوبِ این زبان، به صورتِ پراکنده، از نواحی نزدیکِ شهرِ سمرقند تا یکی از برج‌های داخلیِ دیوارِ بزرگِ چین و از مغولستانِ شمالی تا دره‌ی علیای رودِ سند در شمالِ پاکستان کشف شده است. با انتقالِ این اسناد و مدارک به موزه‌های شهرهای برلن، پاریس، لندن و لنینگراد (سن پترزبورگ)، دانشمندانِ اروپایی و آمریکایی به مطالعه‌ی این نوشته‌های کهن پرداختند. بسیاری از این متون به زبان‌های متعدّدِ اروپایی ترجمه شد. زبان‌شناسان و ویژگی‌های صرفی و نحویِ زبانِ سغدی را مشخص و حقایقِ بسیاری درباره‌ی این زبان آشکار ساختند. زبانِ سغدی یکی از زبان‌های گروهِ شرقیِ ایرانیِ میانه، زبانِ ناحیه‌ی حاصل‌خیزِ سغد، واقع در میانِ دو رودِ سیحون و جیحون، بوده است. این زبان در طولِ ده قرن (قرن‌های دوم تا دوازدهم میلادی) مهم‌ترین زبانِ ایرانی در آسیای مرکزی، زبانِ تجاریِ جاده‌ی ابریشم و از دیر زمان ابزارِ ارتباط و پیوندِ فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربیِ آسیا بوده است. آثارِ بازیافته‌ی سغدی شاملِ الف) آثار غیردینی؛ ب) آثار دینی است.

آثار غیر دینی در برگیرنده‌ی کتیبه‌های متعدّد، سکه‌هایی گوناگون که تاریخِ کهن‌ترین آن‌ها به قرنِ دوم میلادی می‌رسد و در زمره‌ی کهن‌ترین نوشته‌های زبانِ سغدی است، سفالینه‌ها، نامه‌های باستانی، اسناد و مدارکِ کوه مغ، چند متنِ طبّی و چندین داستان است. آثار دینی، یعنی بخشِ اعظمِ متونِ سغدی، که احتمالاً در فاصله‌ی قرن‌های هشتم تا

یازدهم میلادی نوشته شده است، اغلب ترجمه‌هایی از نوشته‌های پیروانِ ادیانِ بودایی و مانوی و مسیحی و متأثر از فلسفه و عقاید این سه دین است. به همین اعتبار، آثار دینی این زبان به سه گروهِ متونِ سغدیِ بودایی، سغدیِ مانوی و سغدیِ مسیحی تقسیم می‌شود. بررسیِ متونِ موجودِ سغدی این واقعیت را نمودار می‌سازد که تنوعِ فرهنگیِ این آثار در خطِ آن نیز کاملاً منعکس و، بنا بر ضرورتِ زمان و مکان و موضوعِ کتابت، از گونه‌های خطیِ متنوعی استفاده شده است.

خطِ سغدی دارای ۲۲ علامت است. به طور کلی سه گونه‌ی اصلی از این خط، که هر کدام از یکی از گونه‌های الفبای سامی - آرامی مشتق شده‌اند، به شرحِ زیر می‌توان باز شناخت:

۱. خطِ سغدی که گونه‌ی سمرقند نیز نامیده می‌شود و به طور کلی خطِ آثارِ غیردینی و متونِ سغدیِ بودایی است؛
۲. خطِ مانوی یا پالمیری که مانی آن را اختراع کرده و خطِ متونِ سغدیِ مانوی است؛
۳. خطِ سریانی که خطِ متونِ سغدیِ مسیحی است و از خطِ سریانیِ سطرنجیلی اقتباس شده است.

به رغمِ گستردگیِ جغرافیاییِ قلمروِ زبانِ سغدی، تفاوتِ گویشیِ اسنادِ مکتوبِ موجود اندک است. البته نمی‌توان ادعا کرد که متونِ سغدی از نظرِ زبانی یک دست‌اند، اما تفاوت‌های موجود بیشتر ناشی از عواملِ تاریخی و کاربردِ گونه‌های خطی و سنت‌های املائی گوناگون است تا فرقی‌های گویشی. احتمالاً گونه‌های گویشیِ سغدی در نواحی دور از پایتخت (سمرقند) به صورتِ زبانِ محاوره به کار می‌رفته که الزاماً به صورتِ مکتوب درنیامده و یا در دست‌نوشته‌های موجود بازتاب نیافته است.

زبانِ سغدی بر اثر نفوذ و توسعه‌ی تدریجیِ فارسیِ میانه (برخوردار از پشتیبانیِ دولت ساسانی) و نیز زبانِ ترکی (ارمغانِ هجومِ قبایلِ ترک زبان به آسیای مرکزی) از رواج افتاد و سیرِ نابودیِ آن از قرنِ یازدهم میلادی به بعد، هم‌زمان با رواجِ زبانِ فارسی (با فرمان‌رواییِ امرای فارسی‌زبان در خراسان و ماوراءالنهر)، از یک سو، و نفوذِ زبانِ عربی و ترکی، از دیگر سو، شتابِ بیشتری یافت.

هرچند امروز گویشِ دور افتاده‌ی یغنابی (رایج در درّه‌ی رودخانه‌ی یغناب در جمهوری تاجیکستان) یگانه یادگارِ زنده از زبانِ سغدی است، لیکن تأثیرِ مستقیمِ زبانِ سغدی بر ادبیاتِ فارسی، به ویژه در دورانِ متقدمِ آن، انکار ناپذیر است.

زبانِ فارسی از قابلیتِ خاصی در جذب و پذیرش واژه‌های بیگانه برخوردار است. علاوه بر انبوه واژه‌های عربی و شمار بسیاری واژه‌های آرامی و ترکی باید از وجودِ شمارِ درخورِ توجهی واژه‌های ایرانیِ شرقی نیز در آن نام برد. از آن‌جا که در میانِ گویش‌های پدید آورنده‌ی فارسیِ نو هیچ یک از زبان‌های ایرانیِ شرقی را نمی‌توان یافت که بتواند ادامه‌ی زبانِ متداولِ فرهنگی و تجاریِ توسعه یافته در ایرانِ دورانِ ساسانی باشد، لذا واژه‌های ایرانیِ شرقی در زمره‌ی واژه‌های دخیل در زبانِ فارسی محسوب می‌شوند. سغدی از جمله زبان‌های ایرانیِ شرقی و رایج‌ترین آنهاست که زبانِ فرهنگ و ادب و بازرگانی در مناطقی فارسی زبان تا مرزهای چین بوده است. حال اگر نقش بسیار مهم بخارا و سمرقند، مادر-شهرهای قلمرو زبانِ سغدی، را نیز در گسترش ادبیاتِ آغازینِ فارسی در نظر بگیریم، ورود شمارِ نظرگیری واژه‌ی سغدی - مانند غوک، ستیغ، زیور، سنگ‌سار - را در زبانِ فارسی امری طبیعی می‌یابیم. بررسی آثارِ بزرگانی چون رودکی، ابوشکور بلخی و اسدی طوسی نیز مؤید این معنی است.

گفتیم که اکثر متونِ باز یافته‌ی سغدی بررسی و تقریباً همه‌ی این دست‌نوشته‌ها به زبان‌های مهم زنده‌ی جهان برگردانده شده است. اما جای خالی واژه‌نامه‌ی جامع از زبانِ سغدی در میانِ آثارِ متعددِ ایران‌شناسانِ جهان درباره‌ی زبان‌های ایرانی به واقع نمایان بود. دکتر بدرالزمان قریب، مؤلفِ فرهنگِ سغدی، پس از بیست سال تلاشِ خستگی ناپذیر در گردآوری و تدوینِ موادِ این کتاب، موفق شد که این مهم را به انجام رساند و واژه‌نامه‌ی جامع برای زبانِ سغدی همراه با معادل‌های فارسی و انگلیسی فراهم آورد. وی استادِ زبان‌های باستانی و میانه‌ی ایران در دانشگاهِ ایران (از ۱۳۵۰ تاکنون) و بانی نخستین کرسیِ مستمرِ آموزش زبانِ سغدی در ایران است.

این واژه‌نامه، که در جهانِ زبان‌شناسیِ تاریخی کاری منحصر به فرد است، گنجینه‌ی عظیمی از واژه‌ها و ترکیباتِ زبانِ سغدی را در اختیار پژوهش‌گرانِ این زبان و دیگر زبان‌های کهن ایرانی و رشته‌های وابسته می‌گذارد که می‌توان آن را به مثابه‌ی ابزارِ اصلی برای مطالعاتِ زبان‌های ایرانی به کار برد. با توجه به کمبودِ منابعِ فارسی در باره‌ی زبانِ سغدی - که تازه تقریباً تمامی منابعِ موجود در آن زمینه از آثارِ همین مؤلف یا شاگردان اوست - می‌توان به ارزشِ تدوینِ این فرهنگ پی برد. فرهنگِ سغدی با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های علمیِ فرهنگ‌نویسی و با نگرش به آخرین آراء و دست‌آوردهای ایران‌شناسانِ جهان (حاصلِ مکاتباتِ مستمر و مبادله‌ی آخرین مقالاتِ نشر یافته درباره‌ی زبانِ سغدی)

تدوین شده است. علاوه بر ایران‌شناسان و پژوهش‌گران و دانش‌جویان زبان‌های ایرانی، ادیبان و پژوهندگان زبان و ادبیات فارسی، به جهات گوناگون - به ویژه در امر واژه‌گزینی و واژه‌سازی، بازشناسی واژه‌های مهجور و شاذ، درک امکانات گوناگون قرائت واژه‌ها - نیز می‌توانند از آن بهره‌ی فراوان برند.

فرهنگِ سغدی مشتمل است بر دو مقدمه‌ی فارسی و انگلیسی، و سه بخش به شرح زیر:

۱. بخش اصلی، دارای بیش از ۱۱۶۰۰ مدخل، که به ترتیب الفبایی بر اساس املا‌ی پذیرفته‌ی سغدی‌دانانِ امروز جهان و با ذکر شماره‌ی مسلسل مرتب شده‌اند. ذیل هر مدخل متن مأخذ (بودایی، مانوی، مسیحی و یا متن‌ها و کتیبه‌های غیردینی)، آوانویس و واژه‌ی سغدی (که برای نخستین بار در جهان و در این کتاب به این صورت ارائه می‌شود)، برابره‌ای فارسی و انگلیسی، اشتقاق، نکته‌های دستوری، گونه‌های املا‌ی (که هر یک، در عین حال، در محل الفبایی مناسب خود به صورت مدخلی مستقل آمده است) و، سرانجام، صورت جامعی از مأخذ واژه و ارجاع مدخل به مدخل‌های دیگر (بر اساس مشابهت‌های دستوری یا اشتقاقی و به ندرت معنایی)، آورده شده است.

۲. واژه‌یاب فارسی، که به ترتیب الفبای فارسی مرتب شده و در آن کلمات یا اصطلاحات یا عبارت‌های کلیدی که در نهایت به یافتن واژه‌ی سغدی مورد نظر کمک می‌کند، همراه با شماره‌های واژه یا واژه‌های سغدی مربوط در بخش اصلی آمده است.

۳. واژه‌یاب انگلیسی، که به ترتیب الفبای انگلیسی مرتب شده و کاربردی نظیر «واژه‌یاب فارسی» دارد.

به طور کلی، این دو «واژه‌یاب» برای بررسی ریشه و اشتقاق واژه‌های سغدی نیز ابزار مفیدی است؛ زیرا از هر واژه‌ی مندرج در هر یک از واژه‌یاب‌ها می‌توان به گروهی از واژه‌های سغدی دست یافت که معمولاً با واژه‌های دیگری نیز در محدوده‌ی الفبایی پیرامون خود قرابت دارد. به طوری که هر واژه در «واژه‌یاب» اغلب به «خوشه»‌ای از کلمات سغدی راه می‌برد.

در دو مقدمه‌ی فارسی و انگلیسی فرهنگِ سغدی توصیف جامعی از پیشینه‌ی تاریخی، مأخذ و منابع تاریخ قوم سغد و نکته‌های برجسته‌ی آن، آثار مکتوب و تاریخچه‌ی کشف و چاپ آثار و دست‌نوشته‌های سغدی و هم‌چنین تاریخچه‌ای از خط سغدی و جدول تطبیقی گونه‌های آن آمده است.

فصلی درباره‌ی دستگاه آوایی زبان سغدی مکمل دو مقدمه‌ی کتاب است. کتاب در

بخش انگلیسی با دو فهرستِ اختصاراتِ عام و اختصاراتِ مأخذ تکمیل شده است. در چنین اثرِ بزرگی، که آماده سازی آن برای چاپ به لحاظ تنظیم و ویرایش فنی کاری به واقع بس دشوار بوده است، اگر غلط‌هایی مطبعی راه یافته باشد، چندان دور از انتظار نیست. مؤلف با آگاهی از این نقیصه در صددِ تهیه‌ی فهرستِ اصلاحات و اضافات برای تکمیلِ کتاب است که امید می‌رود به زودی شاهد آن باشیم.

4122 𐭪𐭥𐭥𐭥 B 𐭪𐭥𐭥𐭥 lamenting GMS 1033, VJ 1412	تلان	𐭪𐭥𐭥𐭥/𐭪𐭥𐭥𐭥 (𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥) → 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥(h) trouble, pain BSTBL, Vim. 43, 72; TSP 2.1149; Frag. Len., GMS 113; S W, C2 p61
4123 𐭪𐭥𐭥𐭥- B 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 @pt. inf. (io)lament VJ 1120	تالیدن	4136 𐭪𐭥𐭥𐭥(h) B, S 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥 → 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 effort, pain TSP 9.130 n p222; Hen. Tales. 486.3; KG 384, 484; MSP b105
4124 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥- S 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥- @trans. pret., 1sg. impf. 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 (io)lament Mack. AI 25, 422, 1928	گریه کردن	4137 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 → 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
4125 𐭪𐭥𐭥(h) B 𐭪𐭥𐭥 @<Av. gainti @f. adj. bad smelling TSP 2.636, 712, 793	بدبو، متعفن	4138 𐭪𐭥𐭥 B 𐭪𐭥𐭥 @nom. -y → 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥 stinking SCE 287; GMS 435, 496
4126 𐭪𐭥𐭥𐭥 M 𐭪𐭥𐭥𐭥. @Parth. 𐭪𐭥𐭥𐭥 → 𐭪𐭥𐭥𐭥 ^(u) , 𐭪𐭥𐭥𐭥 ^(u) bad, evil GMS 989; BBB 513 b19 e3, 14 f10, 16	بد، پلید، زشت (گنده، گنده)	4139 𐭪𐭥𐭥𐭥 B, S 𐭪𐭥𐭥𐭥 → 𐭪𐭥𐭥𐭥, 𐭪𐭥𐭥𐭥 stable, strong TSP 2.476, 13.15; Hen. JRAS 1944, 138.10; Frag. Len. 37.15, 81.10; MDii, 𐭪𐭥𐭥𐭥
4127 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 C → 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		4140 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 S 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 @f. → 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥 stability MDii p152.4
4128 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥(y) M 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥) evildoer, sinner BBB 556; STii 3.17; Gersh. Sogd. Cpds. 1945, 137	نهنگاره، بدکار	4141 𐭪𐭥𐭥 M 𐭪𐭥𐭥 pulling instrument
4129 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥(y) M 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	نهنگاره، بدکار	

نمونه‌ای از مدخل‌های کتاب

با توجه به دشواری دست یافتن به منابع و مأخذ جدید در این زمینه‌ی پژوهشی و نیز سنگینی و دشواری این کار ارزنده با اهمیت و اعتبار جهانی و این که نخستین بار است که این زبان گم شده و از نام‌های همراه با آوا نویسی پیدا می‌کند، باید انتشار فرهنگِ سغدی را به جامعه‌ی فارسی زبان تبریک گفت و هم چنین به دانشمند بزرگ‌واری که در ابتدا خود زبانِ سغدی را به فارسی زبانان شناسانده و آموزش آن را باب کرده و سپس به آسان ساختن دست‌یابی به این زبان نو یافته و باز یافته و گنجینه‌ی واژه‌های غنی آن پرداخته است. □